

The impact of educational environment and mass media on political socialization of students in Shiraz University

Keramat-allah Rasekh *

Received: 2018/11/06

Atefe Ghorbani **

Accepted: 2019/09/20

Mohammad Mahuri ***

The aim of this research is to investigate the effects of the study conditions and the mass media on the political socialization of students of Shiraz University. The study was a Survey one. The data of this research was collected by questionnaire from a sample of 400 students of Shiraz University in February and March, 2017. The theoretical basis of the research was founded on structural-functional theory. The political socialization was examined on 3 level of political consciousness, the political attitude and political values. The independent variables were divided in 7 dimensions: the familial factors, the personal characteristics, the relationship with other students, religious commitment, the study conditions and finally the mass media. We have chosen two of them for this leprosy: the influence of study conditions and the mass media. The study conditions has been measured by the indices of Education, Faculty belongness and the high school discipline before entering university. The mass media was measured with indexes of political using of the media and the affection for the mass media. To test the hypothesis, we have used t-test, regression analysis and bivariabele and multivariable regression. The findings of the research shows that there is significant relationship between education levels, high school discipline and the faculty belongness and political socialization of students. The result of the research showed the study conditions has a modest influence on the political socialization of students.

Keywords: Education, Environment, Mass media, Political socialization, Student, University of Shiraz.

* Associate Professor of Political Science at Islamic Open University, Jahrom, I.R. Iran.
(Corresponding author) krasekh@gmail.com

** M.S Student of Sociology at Islamic Open University, Jahrom, I.R. Iran.
a.gh_64@yahoo.com

** M.S Student of Sociology at Islamic Open University, Jahrom, I.R. Iran.
ahooramahoori.1981@gmail.com

تأثیر محیط آموزشی و رسانه‌های ارتباط جمعی بر جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان دانشگاه شیراز

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۸/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۲۹

کرامت اله راسخ *

عاطفه قربانی **

محمد ماهوری ***

چکیده

هدف مقاله بررسی تأثیر محیط آموزشی و رسانه‌های ارتباط جمعی بر جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان دانشگاه شیراز است. شیوه پژوهش در این تحقیق پیمایشی است. داده‌های پژوهش از طریق پرسشنامه و از یک نمونه ۴۰۰ نفری از ۱۲۵۰۰ نفر دانشجویان دانشگاه شیراز در سال ۱۳۹۶ گردآوری شد. اساس نظری پژوهش نظریه کارکردگرایی ساختاری است. جامعه‌پذیری سیاسی در سه بعد آگاهی سیاسی و نگرش‌های سیاسی و ارزش‌های سیاسی بررسی شد. متغیرهای مستقل در ۷ بعد دسته‌بندی شدند: عوامل خانوادگی؛ عوامل شخصی و جمعیتی؛ ارتباط با هم‌سالان؛ تعهد مذهبی؛ محیط آموزشی؛ فعالیت داوطلبانه در انجمن‌ها؛ رسانه‌های ارتباط جمعی. در این نوشتار تأثیر محیط آموزشی و رسانه‌های ارتباط جمعی بر جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان، مد نظر است به‌منظور آزمون فرضیات از آزمون تی، تحلیل واریانس و رگرسیون دو متغیره و رگرسیون چند متغیره استفاده شد. یافته‌های تحقیق نشان داد که بین سطح تحصیلات، رشته تحصیلی دانشجویان قبل از ورود به دانشگاه و دانشکده‌ای که در آن تحصیل می‌کنند و جامعه‌پذیری سیاسی آن‌ها ارتباط است، درحالی‌که ارتباطی بین استفاده سیاسی از رسانه‌ها ارتباطی و گرایش به استفاده از این رسانه مشاهده نشد. نتیجه کلی پژوهش نشان داد که محیط آموزشی دانشگاه به‌مراتب بیشتر از عوامل بیرونی بر جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان تأثیر دارد.

واژگان کلیدی: آموزش، محیط، رسانه‌های ارتباط جمعی، جامعه‌پذیری سیاسی، دانشجو، دانشگاه شیراز.

* دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، جهرم، جمهوری اسلامی ایران. (نویسنده مسئول)

krasekh@gmail.com

** کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، جهرم، جمهوری اسلامی ایران. a.gh_64@yahoo.com

*** کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، جهرم، جمهوری اسلامی ایران.

ahoramahoori.1981@gmail.com

مقدمه

بیان مسئله: جامعه‌پذیری سیاسی به دلیل تمرکز بر نحوه انتقال و نهادینه‌سازی ارزش‌های راهبردی سیاست و حکومت، برای تمامی نظام‌های سیاسی مهم هستند. ایجاد ثبات، استقرار و استمرار آن در گرو وجود الگویی فعال از جامعه‌پذیری سیاسی در جامعه است. از این منظر مسئله اصلی پژوهش حاضر، شناخت وضعیت جامعه‌پذیری سیاسی در جامعه ایران با توجه به شرایط و مقتضیات نوین است.

اهمیت: بررسی‌های آسیب‌شناسانه در خصوص ماهیت سیاسی و اجتماعی جامعه ایران، حکایت از بروز و ظهور کاستی‌هایی دارد که شناخت و حل و فصل آن‌ها بدون استفاده از نظریه‌ها و الگوهای جامعه‌شناسانه میسر نیست. بر این اساس پژوهش حاضر دارای اهمیت کاربردی بوده و ثبات سیاسی جامعه در گرو انجام چنین پژوهش‌هایی است. **ضرورت:** عدم اهتمام به شناخت مؤلفه‌های اجتماعی نظم و ثبات در ایران، می‌تواند به کاهش میزان کارآمدی سیاست‌های اتخاذ شده و در نتیجه دامن زدن به فروپاشی اجتماعی منجر شود. بر این اساس پژوهش حاضر، دارای ضرورت کاربردی است.

اهداف: هدف اصلی این پژوهش، ارائه تصویری جامعه‌شناسانه از وضعیت جامعه ایران است تا بتوان بر اساس یافته‌های آن برای ارتقای الگوی مدیریت سیاسی جامعه اقدام کرد. در این چشم‌انداز مؤلفه‌های آموزشی و ارتباط جمعی به دلیل اهمیت و اولویتشان، مورد توجه ویژه قرار گرفته‌اند.

۱. پیشینه پژوهش

اگرچه پژوهش‌های مربوط به بنیادهای اجتماعی سیاست در جامعه ایران زیاد نیست، اما معدود مطالعات موجود را می‌توان در چهار گروه اصلی در ارتباط با این پژوهش دسته‌بندی کرد:

۱-۱. آثاری که به جامعه‌پذیری سیاسی جوانان اشاره دارند: سید محمدصادق مهدوی و محمدرضا محمد جانی (۱۳۹۴) مطالعه‌ای با عنوان «چالش‌های جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان دختر (ارائه یک نظریه زمینه‌ای)» انجام داده‌اند. این پژوهش با

استفاده از رویکرد تفسیرگرایی اجتماعی و باهدف بررسی فرایند جامعه‌پذیری سیاسی دختران دانشجوی دانشگاه آزاد اسلامی شیراز و اصلی‌ترین کارگزاران این فرایند اجرا شده است. بر اساس روش نمونه‌گیری هدفمند و نیز با در نظر گرفتن اشباع نظری، ۲۰ نفر از دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی شیراز در این مطالعه شرکت کردند و مصاحبه‌های عمیق با آنها انجام گرفت. روشن (۱۳۷۵) در تحقیقی با عنوان «جامعه‌پذیری سیاسی نوجوانان تهران» در سال ۱۳۷۵، یک نمونه ۲۵۰ نفری از نوجوانان دختر و پسر تهرانی را مورد مطالعه قرار داد تا میزان آگاهی و سطح پایبندی نوجوانان نسبت به اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی و نیز نقش آموزش و پرورش را در این آگاهی و پایبندی مورد ارزیابی قرار دهد. نتایج تحقیق نشان داد که اطلاعات و آگاهی نوجوانان از مسائل، اهداف و آرمان‌های انقلاب در سطحی پایین، اما میزان علاقه‌مندی و پایبندی ایشان به این آرمان‌ها در سطحی بالا قرار دارد.

۱-۲. آثاری که به نقش نهادهای آموزشی در جامعه‌پذیری سیاسی اشاره دارند: صمد کانتیری و بهمن شعیب (۱۳۹۰) پژوهشی با عنوان «نقش مدرسه در بازتولید نظام سیاسی ایران» انجام داده‌اند. مدارس از نقش مهم و تأثیرگذاری در فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی و انتقال ارزش‌های موردحمایت نظام سیاسی به نسل‌های آینده برخوردار هستند. نویسندگان معتقدند که مدارس نقش مهمی در نحوه مشارکت مردم، افزایش مشروعیت نظام سیاسی و حفظ شاکله‌های هویت فردی و جمعی افراد حاضر در یک جامعه ایفا و «سرمایه‌های اجتماعی» را به‌منظور پشتیبانی از نظام سیاسی هدایت می‌کنند. محمدی (۱۳۷۸) در کتاب «درآمدی بر رفتارشناسی سیاسی دانشجویان در ایران امروز»، با استفاده از نظریات مبادله و کنش متقابل نمادین ضمن اشاره به نقش دانشجویان و دانشگاه در تحولات اجتماعی و توسعه سیاسی، به بررسی چگونگی رفتار سیاسی دانشجویان پرداخته است. محمدی نتیجه می‌گیرد که نوعی روند غیرسیاسی شدن در میان دانشجویان به چشم می‌خورد. وی دلایلی چند را برای این امر برمی‌شمارد که برخی از آنها عبارتند از: زندگی‌گرایی و تقابل حاکمیت ایدئولوژیک با زندگی، تمایل بیشتر به مدرک‌گرایی و خروج سریع‌تر از دانشگاه، پرداختن به فعالیت‌های هنری، ادبی و ورزشی در خارج از دانشگاه، اشتغال به کار در محیط خارج

از دانشگاه، سرخوردگی‌های سیاسی نسل پیشین، وابستگی مالی بیشتر دانشجویان به خانواده‌ها و عدم علاقه برخی خانواده‌ها به فعالیت‌های سیاسی، وجود بحران هویت در میان دانشجویان و نبود اعتقاد منسجم و سازگار در میان آن‌ها.

۳-۱. آثاری که به نقش مشارکت سیاسی در جامعه‌پذیری سیاسی: مطیع الله اولاسوپو (۲۰۱۵) پژوهشی با عنوان «تأثیر جامعه‌پذیری سیاسی در انتخابات عمومی سال ۲۰۱۵: واکنش‌های دولت نیجریه» انجام داده است. جامعه‌پذیری در این مقاله فرایندی تعریف شده است که از طریق آن شهروندان با توجه به وضعیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در سه سطح منطقه‌ای و ملی و بین‌المللی با نگرش‌های سیاسی آشنا می‌شوند. جامعه‌پذیری سیاسی به‌خصوص در دوران ناآرامی‌ها و آشوب اجتماعی از اهمیت بیشتری برخوردار است. برگزاری انتخابات یکی از خصوصیات دولت‌های دموکراتیک است. هدف پژوهش بررسی تأثیر جامعه‌پذیری سیاسی بر انتخاباتی است که در سال ۲۰۱۵ در نیجریه برگزار شد. مقاله در نهایت به این نتیجه می‌رسد که برقراری انتخابات آزاد، منصفانه، صلح‌آمیز و معتبر منوط به آموزش سیاسی شهروندان در جریان جامعه‌پذیری سیاسی است (Olasupo, 2015).

۴-۱. آثاری که به نقش رسانه‌های ارتباط جمعی در جامعه‌پذیری سیاسی: هورویتز در پژوهشی با عنوان «شهروندی و جوانان در لهستان پس از فروپاشی کمونیسم» به بررسی نقش ارتباطات در جامعه‌پذیری سیاسی نوجوانان و جوانان لهستانی پرداخته است. به عقیده وی با فروپاشی کمونیسم در سال ۱۹۸۹، لهستان یک دوره تغییرات دشوار به سوی دموکراسی را پشت سر گذاشته است که منجر به دگرگونی‌های شدید سیاسی و اجتماعی-اقتصادی شد. این پژوهش در میان ۱۴۸۰ نوجوان لهستانی با میانگین سنی ۱۷ سال انجام گرفت و نشان داد که جامعه‌پذیری سیاسی در شکل‌گیری نگرش سیاسی جوانان تأثیرگذار بوده است (Horowitz, 2001). لی در پژوهشی نقش رسانه‌های خبری سنتی و شبکه خبری در جامعه‌پذیری سیاسی مهاجران کره‌ای در جامعه آمریکا را بررسی کرده است. وی با استفاده از مدل‌های تحلیل مسیر روشن کرد که آموزش و طول مدت اقامت و تسلط مهاجران کره‌ای به زبان انگلیسی بر جامعه‌پذیری سیاسی آن‌ها تأثیر می‌گذارد. نتایج پژوهش نشان داد که در میان متغیرهای مربوط، رسانه‌ها و رسانه‌های

خبری آمریکایی نیرومندترین تأثیر را بر جامعه‌پذیری سیاسی مهاجران دارند. به‌ویژه هر چه سطح تحصیلات و طول مدت اقامت بالاتر باشد، میزان تسلط به زبان انگلیسی نیز بیشتر و در نتیجه میزان استفاده از رسانه‌های خبری آمریکایی نیز بیشتر است. این عوامل سبب می‌شود تا آگاهی، علاقه و مشارکت سیاسی مهاجران نیز در سطح بالاتری قرار گیرد. در میان متغیرهای جمعیت‌شناختی طول مدت اقامت نیرومندترین پیش‌بینی‌کننده جامعه‌پذیری سیاسی مهاجران است که سبب افزایش آگاهی و علاقه و مشارکت سیاسی آن‌ها می‌شود (Lee,2002).

از میان آثار فوق دو گروه برای این پژوهش از اهمیت بیشتری برخوردار هستند: اول آثاری که به نقش نهادهای آموزشی در جامعه‌پذیری سیاسی اشاره دارند و دوم آثاری که به نقش رسانه‌های ارتباط جمعی در جامعه‌پذیری سیاسی. بنابراین فرضیه‌های این پژوهشی بر پایه چهار اثر زیر تنظیم گردیدند: صمد کانتیری و بهمن شعیب (۱۳۹۰) و محمدی (۱۳۷۸) در ارتباط با تأثیر نهادها بر جامعه‌پذیری سیاسی و هورویتز (Horowitz,2001) و لی (Lee,2002) در ارتباط با تأثیر رسانه‌های جمعی بر جامعه‌پذیری سیاسی.

۲. مبانی مفهومی

با عنایت به اهمیت ایجاد یک فضای بین‌الذهانی مشترک جهت بررسی و تحلیل جامعه‌شناختی موضوع حاضر، لازم است تا نخست مبادی مفهومی پژوهش را تبیین و تحدید نماییم:

۲-۱. جامعه‌پذیری

جامعه‌پذیری عملی است که فرد در جریان آن عضوی از اعضای جامعه یا فرهنگی ویژه می‌شود، بنابراین هویت فرهنگی و اجتماعی افراد در فرایند جامعه‌پذیری کسب می‌شود. جامعه‌پذیری شامل دو فرایند اصلی است: نخست روند آشنایی فرد با ارزش‌ها، انتظارات و نقش‌های اجتماعی و درونی کردن آن‌ها و دوم تعبیر شخصی از آن‌ها. رشته‌های مختلف علوم انسانی تعبیر خاص از فرایند جامعه‌پذیری دارند (احمدپور

ترکمانی و همکاران: ۱۳۹۷، صص. ۶۶-۹۲). موضوع جامعه‌پذیری از نگاه جامعه‌شناسی چگونگی پیوند فرد با جامعه است. بنابراین، جامعه‌شناسی جامعه‌پذیری را در ارتباط با نظریه نقش‌ها بررسی می‌کند. با توجه به این فرایند است که جامعه‌پذیری را تولد دوم فرد به‌عنوان موجودی اجتماعی - فرهنگی تعریف می‌کنند. آموزش نقش‌ها در جریان جامعه‌پذیری با کشمکش نقش‌ها همراه است، به همین دلیل در نظام‌های اجتماعی یکسان ساختارهای شخصیتی گوناگون شکل می‌گیرد. بررسی نظام شخصیتی در هنگام واکاوی جامعه‌پذیری سبب شده است تا جامعه‌پذیری موضوع نظریه یادگیری و به تبع آن روان‌کاوی و روان‌شناسی نیز باشد. تعارض و کشمکش و بحران میان رفتارهای قابل انتظار و ارزش‌های نهادینه‌شده از سویی و گرایش‌های فردی از سوی دیگر با توجه به همین جنبه فرایند جامعه‌پذیری قابل توضیح است. رفتار کاملاً سازگار با انتظارات اجتماعی به همین دلیل تنها با فشار برای همسازی امکان‌پذیر است. یکی از موضوع‌های مهم پژوهش در عرصه جامعه‌پذیری بررسی این امر است که افراد در مراحل گوناگون جامعه‌پذیری از چه عوامل و عناصری بیشتر متأثر می‌شوند و این عوامل چه تأثیری در چگونگی شخصیت آن‌ها دارد. موضوع مهم دیگر تقسیم جامعه‌پذیری به مراحل مختلف است. فرایند جامعه‌پذیری، عمدتاً به سه دوره تقسیم می‌شود: جامعه‌پذیری نخستین، دومین و سومین. در دوره نخست کودک توانایی ذهنی عمل در محیط اجتماعی که به آن توانایی زندگی اجتماعی می‌گویند را کسب می‌کند. در دوره دوم انسان با ورود به مدرسه و سپس دنیای شغلی با نقش‌ها اجتماعی آشنا می‌شود. از آنجاکه جامعه‌های انسانی معاصر به سرعت در حال دگرگونی هستند، فرایند جامعه‌پذیری در مرحله سوم روند آشنایی با شرایط متحول اجتماعی است (عبداله و زارع، ۱۳۹۶، صص. ۱۲۳-۱۵۰). در مقایسه با مفهوم تعلیم و تربیت، مفهوم جامعه‌پذیری عرصه گسترده‌تری را دربرمی‌گیرد. پژوهش‌ها در زمینه جامعه‌پذیری نشان داده است که چگونگی جامعه‌پذیری در نهادهایی چون خانواده، مدرسه، شرکت و آموزش ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی در این نهادها بر شکل‌گیری شخصیت فرد تأثیر می‌گذارد. برخی جامعه‌پذیری را تنها روند یادگیری الگوی رفتاری توسط فرد برای تصاحب نقش‌های اجتماعی تعریف می‌کنند و یادگیری عناصر فرهنگی را در عرصه مقوله دیگری به نام

فرهنگ‌پذیری می‌دانند. اما بیشتر نویسندگان فرهنگ‌پذیری را یکی از عرصه‌ها جامعه‌پذیری به حساب می‌آورند (راسخ، ۱۳۹۱، صص. ۳۵۰-۳۵۱).

۲-۲. جامعه‌پذیری سیاسی

جامعه‌پذیری سیاسی یکی از فرایندهای جامعه‌پذیری است که با دو تعبیر به کار می‌رود: نخست جریان آشنایی کودک با فرهنگ سیاسی گروه خاص یا جامعه است. فرض اصلی این تعبیر از جامعه‌پذیری سیاسی این است که آشنایی با فرهنگ سیاسی و کسب دانش سیاسی برای ثبات جامعه اهمیت دارد. هدف جامعه‌پذیری سیاسی با این تعبیر کسب دانش سیاسی لازم و رفتار مناسب آن است. هدف جامعه‌پذیری سیاسی با این تفسیر در چارچوب نظام سیاسی و اجتماعی دموکراتیک تربیت افراد مسئول، آماده خدمت، مدافع دولت رفاه اجتماعی، پذیرنده تنوع سیاسی و فرهنگی، حافظ نظام قانونی و دموکراتیک است (احمدی و دیگران، ۱۳۹۷، صص. ۲۳-۶۰). صاحب‌نظران درباره سهم خانواده و مدرسه و رسانه‌های ارتباط جمعی و محیط کار در فرایند جامعه‌پذیری سیاسی اختلاف نظر دارند. تعبیر دوم از جامعه‌پذیری سیاسی محدودتر است و به فرایند آشنایی فرد با رفتار سیاسی پس از ورود به سازمان‌های سیاسی اشاره دارد. جامعه‌پذیری سیاسی با این تفسیر به فرایند آشنایی فرد با فعالیت‌های سیاسی، تجربه فعالیت‌های سیاسی، آشنایی با ارزش‌های جدید و درونی کردن آن‌ها اطلاق می‌شود. فرد در جریان جامعه‌پذیری سیاسی با این تفسیر جهت‌گیری سیاسی پیدا می‌کند که بر شیوه‌های رفتاری او تأثیر می‌گذارد (راسخ، ۱۳۹۱، ص. ۳۵۴؛ شوتس‌ایشل، ۱۳۹۰؛ کنوبلاخ، ۱۳۹۱؛ ویس، ۱۳۸۹؛ شفرز، ۱۳۸۳؛ Rasekh, 2000).

۲-۳. محیط آموزشی

ما در این پژوهش درصدد بررسی تأثیر محیط آموزشی و رسانه‌های ارتباط جمعی بر فرایند جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان در محیط دانشگاه هستیم، بنابراین با تعبیر دوم و محدود از جامعه‌پذیری سیاسی سروکار داریم. جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان در محیط آموزش در ایران از ویژگی‌های خاص خود برخوردار است: دانشگاه در ایران از

آغاز تأسیس، محل درگیری‌ها و فعالیت‌های سیاسی بوده است و به احتمال زیاد خواهد بود، دانشگاه علاوه بر نهادی آموزشی فضایی برای عمل سیاسی است و دانشجویان نقش مؤثری در فرایند توسعه به‌طورکلی و توسعه سیاسی به‌طور اخص دارند؛ با توجه به نقش دانشجویان در آینده کشور به لحاظ اداره امور فهم و تبیین رفتار آنان در وضعیت کنونی اهمیت دارد؛ دانشجویان از قدرت و توانایی کافی برای دامن زدن و جهت دادن به تحولات اجتماعی برخوردار هستند؛ دانشجویان در مقایسه با گروه‌های سنتی از امکانات بیشتری برای خدمت به توسعه سیاسی برخوردار هستند؛ با توجه به تقدم زمانی آموزش بر حرفه‌ها و مشاغل در ایران دانشگاه یکی از منشأهای فرایند تفکیک و تمایزبایی نهادی است و دانشجویان می‌توانند این روند را تسریع یا کند سازند؛ در بررسی قلمرو سیاسی در ایران، حرکت سیاسی دانشجویان یک شاخص مناسب برای سنجش تحولات دیگر است (مولایی، ۱۳۹۷، صص. ۱۴۱-۱۶۳؛ محمدی، ۱۳۷۸، صص. ۸-۱۱).

۴-۲. دانشگاه و دانشجو

همان‌طور که اشاره شد، جامعه‌پذیری سیاسی جوانان در کلیه جوامع بشری اهمیت ویژه‌ای دارد. اهمیت جامعه‌پذیری سیاسی جوانان در جوامع توسعه‌نیافته به مراتب بیشتر است. توسعه‌نیافتگی سیاسی و به دنبال آن انفعال اجتماعی و سیاسی بیشتر مردم و فقدان تمایل بیشتر مردم به عدم مشارکت در فرایندهای سیاسی و همچنین وجود فکر توطئه و بی‌اعتمادی به دستگاه دیوان‌سالاری دولتی و همچنین ضعف سازمان‌های مدنی سبب شده است تا عرصه سیاست در کشورهای در حال توسعه عرصه فعالیت نیروهایی شود که برای خود در سپهر سیاسی این جوامع رسالت قائل هستند. جوانان در میان این نیروها جایگاه ویژه‌ای دارند. دانشجویان در میان جوانان به دلیل جایگاه اجتماعی خاص حساسیت بیشتری به تحول در عرصه سیاست دارند. فکر آن‌ها درست به دلیل عقب‌افتادگی نهادهای سیاسی و اجتماعی بنیادی سیاسی است. دانشجویان ایرانی حتی در مقایسه با دانشجویان سایر کشورهای منطقه خاورمیانه به دلایل تاریخی و اجتماعی سیاسی‌تر هستند. وقوع انقلاب اسلامی در ایران در سال ۱۳۵۷ سبب شد تا میلیون‌ها

جوان وارد میدان تفکر و فعالیت سیاسی شوند. دانشجویان به دلیل نقشی که قبل و در جریان انقلاب داشتند، نقش تعیین‌کننده‌ای در این زمینه پیدا کردند که مهم‌ترین آن تسخیر سفارت آمریکا در تهران بود که پیامدهای سیاسی شناخته و ناشناخته بسیار داشت. ادعای ایدئولوژیک نظام جمهوری اسلامی و تلاش برای تأسیس دولت اسلامی سبب شد تا جامعه‌پذیری سیاسی جوانان ایرانی بعد از انقلاب اهمیتی دوچندان پیدا کند. جوانان از مهم‌ترین مخاطبان این گونه تلاش‌ها هستند، بنابراین شناخت عوامل اجتماعی تأثیرگذار بر جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان هنوز در ایران از اهمیت خاصی برخوردار است (بشیریه، ۱۳۸۰ الف، ۱۳۸۰ ب، ۱۳۷۴؛ قوام، ۱۳۷۴؛ بهنام، ۱۳۷۵؛ تاجیک، ۱۳۸۲؛ سعید، ۱۳۸۰؛ وینر و همکاران، ۱۳۷۴؛ واینر و همکاران، ۱۳۷۹؛ مردی‌ها، ۱۳۸۶؛ محمودی، ۱۳۹۴؛ راسخ، ۱۳۸۲؛ ۱۳۸۳؛ ۱۳۹۱).

۲-۵. رسانه ارتباط جمعی

رسانه ارتباط جمعی به نظام‌های بسیار پیچیده و فنی با خروجی اطلاعات در سطحی گسترده و مستمر گفته می‌شود. مخاطب رسانه‌های جمعی، جمعیت انبوه است که واکنش ناکافی و غیره مستقیم به اطلاعات دریافتی نشان می‌دهد. از آنجاکه هرروز بر اهمیت سیاسی و اقتصادی رسانه‌های جمعی افزوده می‌شود، کنترل و هدایت این رسانه‌ها از مسائل اصلی حکومت‌ها است. رسانه‌های جمعی، معادل با رسانه‌های ارتباط همگانی و به‌ندرت معادل با رسانه‌های ارتباطی به کار می‌رود (راسخ، ۱۳۹۱، صص. ۵۷۵-۵۷۶).

۳. مبانی نظری

موضوع جامعه‌شناسی سیاسی قبلاً مسائل کلان در ارتباط با چگونگی رابطه بین دولت، جامعه و شهروندان بود، لیکن امروز محدود به مطالعه حوزه‌های فوق نمی‌شود، بلکه پرسش‌های جامعه‌شناسی سیاسی امروز در سطوح محدودتری مطرح می‌شوند (Nash, 2014). چرا مردم در کشورهای پیشرفته و صنعتی میل کمتری به مشارکت در فرایندهای انتخاباتی دارند؟ (Piven, 1988). آیا رفتار انتخاباتی رأی‌دهندگان در مقابل نامزدهای انتخاباتی مرد و زن فرق می‌کند؟ (Phillips, 1991). البته پرداختن به این‌گونه سؤال‌های مشخص به این معنا

نیست که پرسش‌های بنیادی قبلی اهمیت سابق را ندارند (Sassatelli, 2011; Nash, 2008). خلاصه، می‌توان گفت که موضوع‌های جامعه‌شناسی سیاسی امروزه به چهار عرصه محدود می‌شود: ۱) فرآیند اجتماعی و سیاسی شکل‌گیری دولت‌های مدرن؛ ۲) نابرابری در میان گروه‌های اجتماعی جنسیتی، نژادی و طبقاتی و دلایل این نابرابری‌ها؛ ۳) چگونگی تأثیرگذاری افکار عمومی و ایدئولوژی‌ها و به‌طور کلی جریان‌های حاشیه‌ای حوزه سیاست بر نهادهای رسمی قدرت سیاسی و سیاست رسمی؛ ۴) مناسبات قدرت بین گروه‌های اجتماعی از قبیل خانواده، محیط کاری، دستگاه‌های دیوان‌سالاری، رسانه‌ها و غیره (Domhoff, 2005; Buzzel et. al. 2001). به عبارتی، موضوع جامعه‌شناسی سیاسی مسائلی مانند چگونه گرایش‌های اجتماعی و پویایی اجتماعی و ساختار تأثیر سلطه سیاست رسمی، همچنین توضیح این مطلب است که چگونه نیروهای سیاسی گوناگون با یکدیگر همکاری می‌کنند و سیاست به چه شیوه‌ای اعمال می‌شود (Nachtigal, 1994). این مسائل پرسش‌های اصلی جامعه‌شناسی سیاسی معاصر نیز هستند، لیکن دغدغه اصلی جامعه‌شناسی سیاسی در حال حاضر بازی قدرت و سیاست در درون جامعه است که فراتر از رابطه دولت با جامعه است. وضعیت جدید ناشی از رشد پیچیدگی روابط اجتماعی، تأثیر جنبش‌های اجتماعی سازمان‌یافته و ضعیف شدن دستگاه دولتی در نتیجه فرایند جهانی‌شدن است. تجدیدنظر بنیادی در نظریه اجتماعی نیز بر این فرایند تأثیر داشته است. تجدیدنظر در نظریه اجتماعی در ارتباط نزدیک با مسائل خرد از قبیل شکل‌گیری هویت در جریان کنش متقابل اجتماعی و شناخت از سیاست و تأثیرات تنوع نظری بر ساختارها در مواردی مانند پرسش درباره چگونگی تصاحب و استفاده از قدرت دولتی قرار دارد. رویکرد مطالعات فرهنگی استوارت هال، پست ساختارگرایی میشل فوکو و یودیت باتلر، عمل‌گرایی لاک بولتانسکی، نظریه ساخت‌مندی آنتونی گیدنز و جامعه‌شناسی فرهنگی جفری سی الکساندر عمده‌ترین تأثیرات را در این زمینه داشته‌اند.

ما در این پژوهش با استناد به رویکردهای نظری فوق ۷ بُعد را به ترتیب زیر از یکدیگر متمایز کردیم که بر نگرش و رفتار سیاسی تأثیر می‌گذارند: خانواده؛ متغیرهای شخصی و جمعیتی؛ دوستان سیاسی؛ تعهد مذهبی؛ محیط آموزشی؛ فعالیت داوطلبانه در

انجمن‌ها؛ رسانه‌های ارتباط جمعی. ۲۸ متغیر را از این ۷ بُعد برای سنجش استخراج کردیم. برای پیشگیری از مطول شدن مقاله، دو بُعد تأثیر محیط آموزشی و رسانه‌های ارتباط جمعی را بر جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان موضوع این مقاله قرار دادیم. همان‌طور که در مدل عملی پژوهش دیده می‌شود این دو بُعد با استفاده از متغیرهای نوع دانشکده، مقطع تحصیلی، رشته تحصیلی، استفاده سیاسی از رسانه ارتباط جمعی و گرایش کلی به استفاده از وسایل ارتباط جمعی سنجیده شدند. سپس فرضیه‌های تحقیق را بر اساس مدل عملی پژوهش تدوین کردیم (مونش، در: کسلر ۱۳۹۴، صص. ۱۷-۴۰؛ بروان، در کسلر، ج ۲، ۱۳۹۳، صص. ۱۹۹-۲۲۰؛ کوزر، در: کسلر، ج ۲، ۱۳۹۳، صص. ۱۳۷-۱۶۲؛ اشتولتینگ در کسلر، ج. ۱، ۱۳۹۳، صص. ۲۰۱-۲۲۰).

با توجه به مرور محتوایی صورت گرفته در بخش پیشینه و همچنین نقد و ارزیابی نظریه‌های اصلی در حوزه آموزش، جامعه‌پذیری سیاسی و عملکرد رسانه‌های جمعی، می‌توان فرضیه‌های پژوهش را به شرح زیر پیشنهاد داد:

- به نظر می‌آید بین نوع دانشکده و جامعه‌پذیری سیاسی ارتباط معنادار وجود دارد.
- به نظر می‌آید بین مقطع تحصیلی و جامعه‌پذیری ارتباط معنادار وجود دارد.
- به نظر می‌آید بین رشته تحصیلی دانشجویان در دبیرستان و جامعه‌پذیری ارتباط معنادار وجود دارد.
- به نظر می‌آید بین استفاده سیاسی از رسانه‌های ارتباط جمعی و جامعه‌پذیری ارتباط معنادار وجود دارد.
- به نظر می‌آید بین میزان گرایش به استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی و جامعه‌پذیری ارتباط معنادار وجود دارد.

۴. روش‌شناسی

روش پژوهش در این تحقیق «روش پیمایشی» و برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه استفاده شد. پرسشنامه شامل ۴۹ گویه بود که از این تعداد ۳۰ پرسش به صورت طیف و بقیه به صورت پرسش‌های بسته و چند پرسش نیز به صورت باز طرح گردیدند. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان دانشگاه شیراز در نیمسال اول سال

تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵ حدوداً ۱۲۵۰۰ نفر بود که تعداد آن‌ها از معاونت دانشجویی دانشگاه دریافت شد. با توجه به بخش‌های متعدد جامعه آماری (دانشکده‌ها) در ابتدا با روش نمونه‌گیری «طبقه‌بندی شده» نسبت دانشجویان هر دانشکده به کل جامعه آماری مورد مطالعه، محاسبه گردید و سپس نمونه مورد نظر، از طریق «نمونه‌گیری تصادفی ساده» انتخاب شد. حجم نمونه مورد مطالعه ۳۷۲ نفر بود که محاسبه آن با توجه به جامعه آماری به وسیله فرمول کوکران صورت گرفت.

$$n = \frac{\frac{t^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left[\frac{t^2 pq}{d^2} - 1 \right]} = \frac{\frac{1/96^2 \times 0/5 \times 0/5}{0/05^2}}{1 + \left[\frac{1}{12500} \times \frac{1/96^2 \times 0/5 \times 0/5}{0/05^2} - 1 \right]} = 372$$

البته در این پژوهش، به منظور افزایش دقت نمونه، ۴۰۰ پرسشنامه توزیع گردید که تعداد ۲۸ پرسشنامه اضافی، به نسبت سهم دانشجویان هر دانشکده در نمونه، میان آن‌ها پخش شد. متغیرهای مستقل تحقیق نوع دانشکده، مقطع تحصیلی و رشته تحصیلی دانشجویان در دبیرستان برای سنجش تأثیر محیط آموزشی و میزان استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی و میزان گرایش به استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی برای سنجش تأثیر رسانه‌های ارتباط جمعی بر جامعه‌پذیری سیاسی در نظر گرفته شدند. متغیر وابسته جامعه‌پذیری سیاسی با توجه به سه عنصر: معرفت سیاسی، ارزش‌های سیاسی و نگرش‌های سیاسی سنجیده شد. منظور از معرفت سیاسی، اطلاعات و آگاهی‌های فرد پیرامون مسائل سیاسی است. ارزش‌های سیاسی عبارتند از باورهای اساسی فرد درباره مسائل و موضوعات سیاسی. نگرش‌های سیاسی عبارتند از عقاید فرد درباره موضوعات سیاسی. مجموع نمرات پاسخگویان در این سه بعد، نمره متغیر جامعه‌پذیری سیاسی، به عنوان متغیر وابسته، محاسبه گردید. پس از گردآوری پرسشنامه‌ها و کدگذاری آن‌ها، داده‌ها به کامپیوتر منتقل و به وسیله نرم‌افزار «اس پی اس اس» مورد تحلیل قرار گرفت. به منظور آزمون فرضیات، با توجه به نوع متغیرهای مستقل و نیز متغیر وابسته، از آزمون تی، تحلیل واریانس و رگرسیون دومتغیره و رگرسیون چند متغیره استفاده شد. بر این

اساس الگوی تحلیل و شاخص‌های سنجش به شرح زیر طراحی شده است:

نمودار شماره (۱): الگوی تحلیلی پژوهش



۵. تجزیه و تحلیل داده‌ها

در اینجا به منظور سنجش جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان در جدول زیر وضعیت آن‌ها برحسب آگاهی سیاسی، نگرش‌های سیاسی و ارزش‌های سیاسی سنجیده می‌شود و در انتهای جدول وضعیت جامعه‌پذیری سیاسی آن‌ها به عنوان حاصل جمع موارد یادشده

نشان داده می‌شود.

جدول شماره (۱): جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان

| میزان/بعدها | پایین | متوسط | بالا |
|-------------------|-------|--------|--------|
| آگاهی سیاسی | ۱۶۶ | ۱۲۱ | ۱۱۳ |
| | %۴۱/۵ | %۳۰/۲۵ | %۲۸/۲۵ |
| نگرش‌های سیاسی | ۱۰۱ | ۲۶۷ | ۳۲ |
| | %۲۵/۲ | %۶۶/۸ | %۸ |
| ارزش‌های سیاسی | ۲۲ | ۱۸۱ | ۱۹۷ |
| | %۵/۵ | ۴۵/۲۵ | %۴۹/۲۵ |
| جامعه‌پذیری سیاسی | ۲۸ | ۲۸۳ | ۸۹ |
| | %۷ | %۷۰/۸ | %۲۲/۲ |

همان‌گونه که جدول بالا نشان می‌دهد، به لحاظ آگاهی سیاسی ۴۱/۵٪ افراد در سطح پایین قرار داشته‌اند که شامل افرادی است که فاقد آگاهی سیاسی بوده یا آگاهی سیاسی اندکی داشته‌اند. همچنین ۳۰/۲۵٪ افراد در سطح متوسط و ۲۸/۲۵٪ در سطح بالا قرار داشته‌اند. به لحاظ نگرش‌های سیاسی ۲۵/۲٪ افراد در سطح پایین بوده‌اند که شامل افرادی است که در قبال وضعیت سیاسی موجود در جامعه نگرشی کاملاً مخالف تا مخالف داشته‌اند. ۶۶/۸٪ افراد در سطح متوسط بوده‌اند که عمدتاً در این گروه افرادی قرار دارند که نسبت به وضعیت سیاسی موجود، نگرشی بی‌طرف داشته‌اند و بالاخره ۸٪ افراد در سطح بالا که این گروه شامل افرادی است که نسبت به وضعیت سیاسی موجود نگرشی موافق تا کاملاً موافق داشته‌اند. بالاخره به لحاظ میزان پایبندی به سطح بالا، قرار داشته‌اند. به لحاظ جامعه‌پذیری سیاسی نیز همان‌گونه که ملاحظه می‌شود ۷٪ در سطح پایین ۷۰/۸٪ در سطح متوسط و ۲۲/۲٪ در سطح بالا قرار دارند.

فرضیه اول: ارتباط بین مقطع تحصیلی و جامعه‌پذیری سیاسی

جدول شماره (۲): ارتباط بین مقطع تحصیلی و جامعه‌پذیری سیاسی

| سطح معناداری | مقدار F | انحراف معیار | میانگین نمره جامعه‌پذیری سیاسی | فراوانی | مقطع تحصیلی |
|--------------|---------|--------------|--------------------------------|---------|-------------|
| /۰۰۸ | ۳/۹۹ | ۱۰/۳۹ | ۶۹/۸۸ | ۴۰ | فوق‌دیپلم |
| | | ۱۱/۵۳ | ۶۸/۴۶ | ۲۷۰ | لیسانس |
| | | ۱۱/۳۹ | ۷۲/۲۳ | ۵۷ | فوق‌لیسانس |

| سطح معناداری | مقدار F | انحراف معیار | میانگین نمره جامعه‌پذیری سیاسی | فراوانی | مقطع تحصیلی |
|-----------------|---------|--------------|-----------------------------------|---------|-------------|
| | | ۱۱/۷۶ | ۷۴/۵۸ | ۳۳ | دکتر |
| | | ۱۱/۵۵ | ۶۹/۶۵ | ۴۰۰ | کل |

این جدول تفاوت میانگین نمره جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان در مقاطع مختلف تحصیلی را نشان می‌دهد. میانگین نمره جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان در مقطع لیسانس در مقایسه با مقطع فوق‌دیپلم کاهش می‌یابد و سپس در مقطع فوق‌لیسانس و دکترا افزایش پیدا می‌کند. علت کاهش میانگین نمره جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان مقطع در مقایسه با مقطع فوق‌دیپلم را می‌توان در تعداد بیشتر این دانشجویان و فراوانی رشته‌های تحصیلی آن‌ها جستجو کرد. با توجه به میزان $F=3/99$ و سطح معناداری $0/008$ ، تفاوت میانگین مقاطع تحصیلی مختلف حداقل در سطح ۹۵٪ معنادار هست و بنابراین، فرض وجود رابطه بین این دو متغیر تأیید می‌شود.

فرضیه دوم: ارتباط بین نوع دانشکده و جامعه‌پذیری سیاسی

همان‌گونه که جدول شماره ۳ نشان می‌دهد، میانگین نمره جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان در دانشکده‌های مختلف، متفاوت است. با توجه به مقدار $F=2/59$ و سطح معناداری $0/037$ ، این تفاوت حداقل در سطح ۹۵٪ معنادار هست و بنابراین، فرض وجود رابطه بین دو متغیر تأیید می‌شود.

جدول شماره (۳): ارتباط بین نوع دانشکده و جامعه‌پذیری سیاسی

| سطح معناداری | مقدار F | انحراف معیار | میانگین نمره جامعه‌پذیری سیاسی | فراوانی | دانشکده |
|-----------------|---------|--------------|-----------------------------------|---------|---|
| ۰/۰۳۷ | ۲/۵۹ | ۱۱/۷ | ۷۱/۷۸ | ۱۳۴ | علوم انسانی (علوم انسانی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی، حقوق و علوم سیاسی) |
| | | ۱۱/۴۴ | ۶۷/۶۷ | ۱۳۲ | فنی و مهندسی (مهندسی - هنر و معماری - صنعت الکترونیک) |
| | | ۱۱/۱۴ | ۶۹/۹۱ | ۷۴ | علوم |
| | | ۱۲/۹۱ | ۶۶/۴ | ۴۷ | کشاورزی |
| | | ۱۰/۶۸ | ۶۹/۰۸ | ۱۳ | دامپزشکی |
| | | ۱۱/۵۵ | ۶۹/۶۵ | ۴۰۰ | کل |

فرضیه سوم: ارتباط بین رشته تحصیلی و جامعه‌پذیری سیاسی

جدول شماره ۴ تفاوت میانگین نمره جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان را برحسب رشته تحصیلی آن‌ها در دوره دبیرستان نشان می‌دهد. با توجه به مقدار $F=3/07$ و سطح معناداری $0/048$ تفاوت میانگین‌ها حداقل در سطح ۹۵٪ معنادار هست و بنابراین، فرض وجود رابطه بین این دو متغیر تأیید می‌شود.

جدول شماره (۴): ارتباط بین رشته تحصیلی و جامعه‌پذیری سیاسی

| رشته تحصیلی در دبیرستان | فراوانی | میانگین نمره جامعه‌پذیری سیاسی | انحراف معیار | مقدار F | سطح معناداری |
|-------------------------|---------|--------------------------------|--------------|---------|--------------|
| علوم انسانی | ۷۸ | ۷۱/۴۰ | ۱۱/۶۸ | ۳/۰۷ | ۰/۰۴۸ |
| علوم تجربی | ۹۶ | ۷۱/۱۶ | ۱۱/۳۷ | | |
| ریاضی | ۲۲۶ | ۶۸/۴۰ | ۱۱/۴۷ | | |
| کل | ۴۰۰ | ۶۹/۶۵ | ۱۱/۵۵ | | |

فرضیه چهارم: ارتباط بین استفاده سیاسی از رسانه‌های ارتباط جمعی و جامعه‌پذیری

سیاسی

جدول شماره ۵ به بررسی میزان همبستگی بین دو متغیر میزان استفاده سیاسی دانشجویان از رسانه‌های ارتباط جمعی و میزان جامعه‌پذیری سیاسی آن‌ها می‌پردازد. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود مقدار R و ضریب Beta نشان می‌دهند که میزان همبستگی بین این دو متغیر، ۷٪ و جهت آن منفی هست. مقدار R^2 نشان می‌دهد که متغیر مستقل ۱٪ تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌نماید و ضریب B نشان می‌دهد که با افزوده شدن هر واحد به متغیر مستقل، مقدار $5/17$ از میزان جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان کاسته می‌شود. با توجه به مقدار $T=-1/48$ و سطح معناداری $0/140$ ، همبستگی بین این دو متغیر حداقل در سطح ۹۵٪ معنادار نیست؛ بنابراین، فرضیه وجود رابطه بین این دو متغیر رد می‌شود.

جدول شماره (۵): ارتباط بین استفاده سیاسی از رسانه‌های ارتباط جمعی و جامعه‌پذیری سیاسی

| نام متغیر | R | R ² | خطای استاندارد | ضریب B | Beta | مقدار T | سطح معناداری |
|--|------|----------------|----------------|---------|-------|---------|--------------|
| استفاده سیاسی از رسانه‌های ارتباط جمعی | ۰/۰۷ | ۰/۰۱۰ | ۱۱/۵۳ | -۵/۱۷ | -۰/۰۷ | -۱/۴۸ | ۰/۱۴۰ |
| Sig=۰/۱۴۰ | | | | F=۲/۷۸۲ | | | |

فرضیه پنجم: ارتباط بین گرایش به استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی و جامعه‌پذیری سیاسی

جدول شماره ۶ به بررسی میزان همبستگی بین دو متغیر میزان گرایش دانشجویان به استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی و میزان جامعه‌پذیری سیاسی آن‌ها می‌پردازد. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود مقدار R و ضریب Beta نشان می‌دهند که میزان همبستگی بین این دو متغیر، ۲٪ و جهت آن منفی هست. مقدار R² نشان می‌دهد که متغیر مستقل کمتر از ۱٪ تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌نماید و ضریب B نشان می‌دهد که با افزوده شدن هر واحد به متغیر مستقل مقدار ۳/۸۲ از میزان جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان کاسته می‌شود؛ بنابراین با توجه به مقدار $T = -۰/۳۰$ و سطح معناداری ۰/۷۶۷، همبستگی بین این دو متغیر حداقل در سطح ۹۵٪ معنادار نیست؛ بنابراین، فرضیه وجود رابطه بین این دو متغیر رد می‌شود.

جدول شماره (۶): ارتباط بین گرایش به استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی و جامعه‌پذیری سیاسی

| نام متغیر | R | R ² | خطای استاندارد | ضریب B | Beta | مقدار T | سطح معناداری |
|---|------|----------------|----------------|---------|-------|---------|--------------|
| گرایش به استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی | ۰/۰۲ | ۰/۰۰ | ۱۱/۵۶ | -۳/۸۲ | -۰/۰۲ | -۰/۳۰ | ۰/۷۶۷ |
| Sig=۰/۷۶۷ | | | | F=۰/۰۸۸ | | | |

نتیجه گیری

هدف پژوهش بررسی تأثیر عوامل جمعیتی و خانوادگی مؤثر بر جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان است. ما در این پژوهش تأثیر نوع دانشکده، مقطع تحصیلی، رشته تحصیلی، استفاده سیاسی از رسانه‌های ارتباط جمعی و گرایش به استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی به‌طور کلی بر جامعه‌پذیری سیاسی را بررسی کردیم. نتایج آزمون تفاوت میانگین‌ها نشان داد که میانگین نمره جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان به‌جز در دوره لیسانس، همراه با بالا رفتن مقطع تحصیلی آن‌ها افزایش می‌یابد. دلیل این امر می‌تواند ناشی از موارد زیر باشد: پراکندگی دانشجویان مقطع لیسانس در ۸ دانشکده و نیز فراوانی بیشتر رشته‌های تحصیلی آن‌ها نسبت به مقاطع قبل و بعد از خود و بالاخره فراوانی بیشتر تعداد این دانشجویان نسبت به دانشجویان سایر مقاطع. با توجه به مقدار $F=۳/۹۹$ و سطح معناداری $۰/۰۰۸$ ملاحظه می‌شود که رابطه بین دو متغیر مقطع تحصیلی و جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان حداقل در سطح $۰/۰۹۵$ معنادار است. نتایج این آزمون همچنین نشان می‌دهد که میانگین نمره جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان دانشکده‌های ادبیات و علوم انسانی، اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی، علوم تربیتی و حقوق که با عنوان کلی علوم انسانی مشخص شده‌اند بیش از دانشجویان سایر دانشکده‌ها بوده است که با توجه به مقدار $F=۲/۵۹$ و سطح معناداری $۰/۰۳۷$ می‌توان گفت که رابطه بین دو متغیر نوع دانشکده محل تحصیل دانشجویان و جامعه‌پذیری سیاسی آن‌ها حداقل در سطح $۰/۰۹۵$ معنادار است. نتایج این آزمون همچنین نشان می‌دهد که رابطه بین دو متغیر رشته تحصیلی دانشجویان در دبیرستان و میزان جامعه‌پذیری سیاسی آن‌ها با توجه به مقدار $F=۳/۰۷$ و سطح معناداری $۰/۰۴۸$ حداقل در سطح $۰/۰۹۵$ معنادار است.

نتایج تحلیل رگرسیون دو متغیره همچنین نشان می‌دهد که رابطه بین دو متغیر میزان استفاده سیاسی از وسایل ارتباط جمعی و جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان حداقل در سطح $۰/۰۹۵$ معنادار نبوده است. مقدار R^2 نشان می‌دهد که متغیر مستقل تنها ۱% از تغییرات متغیر وابسته را تبیین کرده است. همچنین ضریب Beta نشان می‌دهد که این دو متغیر با یکدیگر ارتباط معکوس داشته‌اند. نتایج این تحلیل همچنین نشان می‌دهد

که بین دو متغیر گرایش دانشجویان به استفاده از وسایل ارتباط جمعی و جامعه‌پذیری سیاسی آن‌ها حداقل در سطح ۹۵٪ رابطه معناداری وجود نداشته است. مقدار R^2 نشان می‌دهد که متغیر مستقل کمتر از ۲٪ تغییرات متغیر وابسته را تبیین کرده است و ضریب Beta نشان می‌دهد که رابطه بین این دو متغیر نیز معکوس است. در خصوص وسایل ارتباط جمعی باید گفت که این وسایل نقش مهمی در ارتقاء سطح آگاهی سیاسی و جامعه‌پذیری سیاسی افراد جامعه و به خصوص دانشجویان دارند، اما همان‌گونه که نتایج این پژوهش نشان می‌دهد، رابطه معناداری بین میزان استفاده سیاسی از وسایل ارتباط جمعی و نیز میزان گرایش به استفاده از این وسایل با جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان وجود ندارد. به نظر می‌رسد برخی جهت‌گیری‌های وسایل ارتباط جمعی (اعم از داخلی و خارجی) و نیز عدم شفافیت برخی از آن‌ها در بیان مسائل سیاسی جامعه و نیز سانسور حاکم بر وسایل ارتباط جمعی در جامعه ایران سبب شده است که میزان اعتماد به وسایل ارتباط جمعی و در نتیجه میزان استفاده سیاسی از آن‌ها به‌عنوان یکی از عوامل مهم جامعه‌پذیری سیاسی، در میان دانشجویان کاهش یابد.

کتاب‌نامه

- احمدپور ترکمانی، بابک؛ ازکیا، مصطفی؛ ساروخانی، باقر (۱۳۹۷). «تبیین جامعه‌شناختی نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی در جامعه‌پذیری سیاسی»، مجله جهانی رسانه، دوره ۱۳، شماره ۱، شماره پیاپی ۲۵، صص. ۶۶-۹۲.
- احمدی، غلامعلی؛ عصاره، علیرضا و امینی زرین، علیرضا (۱۳۹۷). «تبیین مراحل تعلیم و تربیت سیاسی (گذرگاه سیاست‌پذیری) بر مبنای مراحل رشد شناختی با تأکید بر دوره‌های تحصیلی»، دانش سیاسی، سال چهاردهم، شماره اول، پیاپی ۲۷، صص. ۲۳-۶۰.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۴). درآمدی بر جامعه‌شناسی تجدد، تهران: نشر نی.
- بشیریه، حسین، (۱۳۸۰ الف). درس‌های دموکراسی برای همه، تهران: نشر نگاه معاصر.
- بشیریه، حسین، (۱۳۸۰ ب). موانع توسعه سیاسی در ایران، تهران: نشر گام نو.
- بهنام، جمشید، (۱۳۷۵). ایرانیان و اندیشه تجدد، تهران: فروزان.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۲). تجربه بازی سیاسی در میان ایرانیان، تهران: نشر نی.

- راسخ، کرامت‌اله (۱۳۹۱). فرهنگ جامع جامعه‌شناسی و علوم انسانی - شامل ۵۰۰۰ مدخل با معادل‌های انگلیسی و آلمانی - (۲ ج)، جهرم: دانشگاه آزادی اسلامی واحد جهرم و نوید شیراز.
- راسخ، کرامت‌اله (۱۳۸۲). «دو نگرش درباره اصلاحات در عصر قاجار»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال هیجده‌ام، شماره ۱۹۶-۱۹۵، صص. ۱۶۶-۱۶۲.
- راسخ، کرامت‌اله (۱۳۸۳). «تحولات ایران در سده نوزدهم از منظر جامعه‌شناسی معرفت»، فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی آشتیان، ویژه علوم اجتماعی، شماره ۱۳، صص. ۲۲۹-۲۰۹.
- روشن، جمشید (۱۳۷۵). جامعه‌پذیری سیاسی نوجوانان تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، علوم سیاسی.
- سعید، ادوارد (۱۳۸۰). نقش روشنفکر، ترجمه حمید عضدانلو، تهران: نشر نی.
- شعیب، بهمن و کلاتری، صمد (۱۳۹۰). «نقش مدرسه در بازتولید نظام سیاسی ایران»، مطالعات سیاسی، دوره ۳، شماره ۱۱، ۱-۲۹.
- شفرز، برنهارد (۱۳۸۳). مبانی جامعه‌شناسی جوانان، ترجمه کرامت‌اله راسخ، چاپ هشتم (۱۳۹۲)، تهران: نشر نی.
- شوتس ایشل، رینر (۱۳۹۰). مبانی جامعه‌شناسی ارتباطات، ترجمه کرامت‌اله راسخ، تهران: نشر نی.
- عبداله، عبدالمطلب؛ زارع، ملیحه (۱۳۹۶). «بررسی و تحلیل عوامل مؤثر بر تربیت سیاسی شهروندان (نمونه موردی شهر شیراز)»، دانش سیاسی، سال سیزدهم، شماره اول، پیاپی ۲۵، صص. ۱۲۳-۱۵۰.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۷۴). نقد نظریه‌های نوسازی و توسعه سیاسی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- کسلر، دیرک (۱۳۹۴). نظریه‌های روز جامعه‌شناسی. ترجمه کرامت‌اله راسخ، تهران: نشر آگه.
- کنوبلاخ، هوبرت (۱۳۹۱). مبانی جامعه‌شناسی معرفت، ترجمه کرامت‌اله راسخ، تهران: نشر نی.
- محمودی، مجید (۱۳۷۸). درآمدی بر رفتار سیاسی دانشجویان در ایران امروز، تهران: انتشارات کویر.
- محمودی، علی (۱۳۹۴). نواندیشان ایرانی، پژوهش در اندیشه‌ها و کنشگری‌های هشت چهره نام‌آور معاصر، تهران: نشر نی.
- مردیها، مرتضی (۱۳۸۶). مبانی نقد فکر سیاسی، تهران: نشر نی.
- مهدوی، محمدرضا و محمدرضا محمدجانی (۱۳۹۴). «مطالعه‌ای با عنوان «چالش‌های جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان دختر (ارائه یک نظریه زمینه‌ای)»»، زن در توسعه و سیاست، شماره ۱، دوره سیزدهم، صص. ۷۲-۵۳.
- مولایی، محمدرضا (۱۳۹۷). «نقش دانش و اعتماد سیاسی در پیش‌بینی علاقه‌مندی دانشجویان به مشارکت سیاسی»، دانش سیاسی، سال چهاردهم، شماره اول، پیاپی ۲۷، صص ۱۴۱-۱۶۳.

واینر، مایرون؛ هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۹). درک توسعه سیاسی. ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

ویس، اُتمار (۱۳۸۹). مبانی جامعه‌شناسی ورزش، ترجمه کرامت‌اله راسخ، تهران: نشر نی.

وینر، فیلیپ پی؛ برلین، ایزیا - ویراستار- (۱۳۷۴). فرهنگ اندیشه‌های سیاسی، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران: نشر نی.

Buzzell, Timothy, Betty A. Dobratz, and Lisa K. Waldner. "The Politics of Social Inequality." 14 Mar. 2001. Web. 29 Sept 2009. From: <<http://books.emeraldinsight.com/display.asp?K=9780762307562>>

Domhoff, G. William (2005), Power Structure Research and the hope for Democracy. Adam Schneider, April 2005. Web Retrieved 29 Sept. 2009. From: <<http://www.polycola.com/search.php?stypes=&eng1=yahoo&eng2=google&st=Web&q=three+major+theoretical+frameworks+are+elite+pluralism+and+managerial+theory>>

Horowitz, E. M., (2000), Citizenship and Youth in Post-Communist Poland: the Role of Communication in Political Socialization. Wisconsin: The University of Wisconsin-Madison Press.

Lee, Hyo-Seong, (2002), The Mediating Role of Traditional News Media and The News Web in The Political Socialization of Korean Immigrants to The Host Society: Predicting Political Knowledge, Interest, and Participation. Carbondale: Southern Illinois University Press.

Nachtigal M. Paul. "Political Trends Affecting Nonmetropolitan America.", Journal of Research in Rural Education Vol.10 (1994):161-166. Print. From: <<http://www.jrre.psu.edu/articles/v10.n3.p161-166.Nachtigal.pdf>>

Nash, K. (2008) 'Global citizenship as show business: the cultural politics of Make Poverty History' Media, Culture and Society 30/1 <<http://eprints.gold.ac.uk/94/>>

Nash, K. (2014). Contemporary Political Sociology. Oxford: Wiley-Blackwell.

Olasupo, M. A. (2015), "The Impact of Political Socialization on 2015 General Election: Reflections on Nigerian State", Journal Of Humanities And Social Science (IOSR-JHSS), Volume 20, Issue 7, Ver. IV (July 2015), PP 77-83.

Phillips A. (1991). Engendering Democracy. Cambridge: Polity.

Piven, F. (1988). Why Americans Don't Vote: And Why Politicians Want it That Way. Pantheon. ISBN 0-679-72318-8.

Rasekh, K. (2000), Das politische Denken der Reformisten im Iran 1811-1906, Eine Untersuchung über das politische Denken der iranischen Intellektuellen, SPEKTRUM 71. Münster; Hamburg; London: Lit-Verlag.

Sassatelli, R. (2011) 'Body Politics' in: E. Amenta, K. Nash and A. Scott (eds), Companion to Political Sociology, Oxford: Wiley-Blackwell